

کتابت

ISSN : 2228-5679

فتروا على السج الخالى الفقه الفاضل الميرزا محمد التبريزي المحقق المحدث ع
عالم الميرزا حسين حجة الله تعالى اليه في الاصول والادب في الادب والادب في الادب
عنه اهله ولا علمه وحفظه وهداه الى كتابه سراج الكمال في مسائل الكلام
في مسائل سخا الخالى الاعظم السيد محمد بن الحسين حجة الله تعالى اليه
قدس الله روحه وهداه الى مستند مداهف له روافد الفنا
وعنه رسائل في السج الفاضل في تفسيره في شرحه في شرحه في شرحه
او لا يدرجه في كتابه قدس الله روحه وهداه الى مستند مداهف له روافد الفنا
الهم مع الله تعالى الميرزا محمد حسين الميرزا محمد حسين الميرزا محمد حسين
كان رحمه الله والميرزا محمد حسين الميرزا محمد حسين الميرزا محمد حسين

ابراهیم بن حکم بن ظهیر ✦ جایگاه علمی اجتماعی ابن نخلد، از اساتید سنی مذهب شیخ طوسی ✦ حقیقه ایمان شهید ثانی یا ایضاح
البیان فی الدین بن محسن عاملی ✦ چگونگی مرجعیت و نشر فتاوی شیخ اعظم انصاری ✦ حاج شیخ جعفر شوشتری ✦ دکتر سید محمد
علی شهرستانی ✦ زندگینامه های خودنوشت شیخ حسین واعظ شوشتری، محمد تقی نیرتیری، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ محمد غروی
سندی از حدود هشتاد سال پیش راجع به تحول در حوزه نجف اشرف ✦ پنج نامه منتشر نشده از استاد فقید دکتر ابوالقاسم گرچی ✦ هبه نامه
و وصیت نامه سید دلدار علی ✦ سه اجازه از بزرگان حله ✦ اجازه ابن ابی جمهور به سید حسن بن ابراهیم بن یوسف بن ابی شبانه
ببیت و پنج رساله در موضوع نذر بعد از وفات ✦ نگاهی به الاخبار الدخیله ✦ الاربعین فی امامه امیر المؤمنین ✦ آفاق نجف ✦
گزارش سفری به ریاض ✦ تصحیح اعیان الشیعه ✦ نامه شیخ آقا بزرگ تهرانی به آیه الله ملا محمد جواد صفای
نکته ها آثار نو یافته

کتاب پیوست: ملحق مال الاصل

چگونہ مرجعیت و نشر فناوی شیخ اعظم انصاری

سید محمد علی روضہ

سات مرجعۃ الشیخ الأنصاری وطریقه نشر فتاویہ

تقدم هذه المقالة عرضاً مختصراً لتاريخ تدوين وطبع ونشر الرسائل العملية للشيخ مرتضى الأنصاري، خصوصاً مساهمته تلميذه الملا محمد يوسف الاسترآبادي، باعتبار ذلك جزءاً من تاريخ الحوزة العلمية في القرن الثالث عشر. وفي هذا السياق يستعرض المؤلف رسالتين هما سؤال وجواب ورسالة الوجيزة. ثم يشير إلى لقاء عبد العلي أدب الملوك مع الشيخ الأنصاري في سنة ١٢٧٣ هـ، وتقصيده الملا فتح الله الوفايي الشوشنري في رثاء الشيخ، مع تقديم نبذة مختصرة من سيره المأرحة الله خادم الشيخ الأعظم.

چکیده: تاریخچه تدوین و چاپ و نشر رساله های عملیه شیخ مرتضیٰ انصاری به ویژه ثلاث ملامحمد یوسف استرآبادی شاگرد خاص شیخ در این زمینه، به عنوان بخشی از تاریخ حوزہ علمیه درسده سیزدهم، در این مقاله مطرح می شود. نگارنده رساله سوال و جواب و رساله وجیزه را در این راستا می شناساند. پس از آن به دیدار عبد العلی ادیب الملک با شیخ انصاری در سال ۱۲۷۳ و قصیده ملافتح الله وفايي شوشنري در مرتبه شیخ و شرح حال مختصر ملا رحمت الله خادم شیخ اشاره می کند. کلید واژه: انصاری، مرتضیٰ، استرآبادی، محمد یوسف، سوال و جواب (کتاب)، وجیزه (کتاب)، ادیب الملک، عبد العلی، وفايي شوشنري، فتح الله، رساله علمیه، حوزہ علمیه - سده سیزدهم.

کتاب ششم [۲]
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان [۱۳۸۹]

[مقالات]
چگونگی مرجعیت و نشر فتاویٰ شیخ اعظم انصاری

بعل آورد و اگر شک داشته باشد
 بوده باد رحال تدارک و بعل لازم

بسیج و بجم رسیدن لازمست که به

مذکر و دفع راس از رکوع و افران

مذکر شد ظاهر

و انصاف و طابینه ا

نینه بعد از رفع راس

بعد از جلوس بجهت سیم

نینه لازم بلکه جایز نبو

نینه در رک

از نماز ظاهر است

نینه لازمست و مرکا

نینه از نماز

نینه فقط لا

نینه استیجا

در رکعت

طهرانی نیست

نرخ سوره

شفتی (رحمة الله عليهما) استخراج و تلخیص نموده است
 برای مقلدان سید (چاپ سنگی رقمی، ۱۶۶۰ ق. هجری)

ترجمه و تفسیر

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

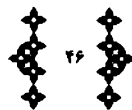
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ كَرِهَ لَنَا الْفُرُقَ

کتاب ششم (۲)
 سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)

(مقالات)
 چگونگی ترجمه و نشر فرائی شیخ اعظم اصفهاری



مرحوم صاحب جواهر- که مقدم بر همه بود- به سال ۱۲۶۶ هـ ۶۵ سالگی، در نجف اشرف وفات یافت. بعد از رحلت ایشان، علمای اعلام آن دیار، بر مریعت شیخ الطائفة انصاری، اجماع نمودند. در آن هنگام که شیخ انصاری رحمه الله ۵۲ سال بیش نداشت، تمام آثار علمی و تحقیقی خویش را به زبان عربی نگاشته بود. با وفات صاحب جواهر می‌بایست جوابگوی مسائل مقلدین فارسی زبان صاحب جواهر و دیگر مجتهدان باشد. از این روی، تهیه و تنظیم رساله فارسی، امری ضروری و لازم بود.

لذا عالم فاضل ایرانی، حاج ملا محمد یوسف استرآبادی که از شاگردان صاحب جواهر بود، به ملازمت شیخ انصاری درآمد. برای تهیه رساله فارسی، مطابق با فتاوی شیخ، دست به کار شد، او ابتدا رساله‌ای به نام سؤال وجواب تنظیم کرد و نسخه‌هایی دستنویس، آماده و به امضای شیخ رسانید، که نمونه سرآغاز یکی از آنها را در اینجا ملاحظه می‌فرمایید.

او ابتدا رساله ای به نام سؤال وجواب تنظیم کرد و نسخه هایی دستنویس، آماده و به امضای
 شیخ رسانید، که نمونه سرآغاز یکی از آنها را در اینجا ملاحظه می فرمایید.
 در این نسخه هیچ تاریخی دیده نمی شود.
 کتاب بسم الله الرحمن الرحيم سوال وجواب
 محمد طهر بن علی المازنی در عاقبة المنعمین و تصدیر و تصدیق علی خیر محمد
 محمد و آل محمد و صلوات الله علیهم
 اعلم انکم ابدانکم فی الدنیا و الدار الآخرة
 عادی مفتح از نیل ایاری محمد بن یوسف سرکار دار فاضل
 عن والدهن که علاوه بر احسان التماس جمع از خاندان و اما این احسان
 توفیق گواهی شیخ در حدیث چنین است: انما یستحق ان یتقابل هذه الشیخة فی احسان
 لدى الاحقر مرتضى الانصاری.

سجده مهراین چنین است: «لا إله إلا الله الملك الحق المبين، عبده مرتضى الأنصاري».

فیه استرآبادی - که درذیل احوال مرحوم آیه الله شیخ محمد صالح علاءه مازندرانی سمنانی، ازشاخ اجازه ابن ضعیف، دروقایع ۱۲۹۷ درمکالم الکرامی می شود - به کلمی به ملازمت شیخ انصاری درآید و همه توان و کوشش خود را درآردار تنظیم، طبع ونشررساله های فارسی، بروفق فتاوی آن جناب، صرف نموده وسؤال وجواب را که شامل مسائل طهارت به تفصیل ونیزانذکی ازمباحث صلوة بود، به ضمیمه تلخیص تحفة الأبرارکه مرحوم حاجی آباةای سابق الذکرتهیه نموده ودر



سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان (۱۳۸۹)
کتاب شعبه (۲)

(ملاحظات)

جگونگی مرجمیت و نشر فناوری شیخ اعظم انصاری



سپس سؤال وجواب معهود، تا صفحه ۲۲۷ نوشته شد. پس از آن رساله وجیزه؛ یعنی همان مختصر تحفة الأبرار با مقدمه مرحوم حاج ملایوسف در متن و موضوع تصحیح و مقابله در حاشیه - که چند بار هم به مهر خود «عبد محمد یوسف» آن را زینت داده است - تدوین گردید.

کاتب، شماره صفحات وجیزه را از ۲ شروع و به ۸۸ ختم کرده است.

آراء شیخ انصاری را در سراسر این کتاب همانند رساله آخرین درخواستی نوشته‌اند.

سومین رساله این مجموعه، مسائل «باقی نمازهای واجب، بحث خمس، زکات و صوم» است که جهت تکمیل دورساله پیشین، از نوشته‌های رساله نخبه حاجی کرباسی گرفته و بر این مجموعه افزوده‌اند. ضمناً در سرازان، گواهی و مهر مرحوم استرآبادی به علاوه شماره ۹۱ - که به جای ص ۸۹ نگاشته شده است - به چشم می‌خورد.

نخبه در صفحه ۱۴۴ خاتمه یافته و کاتب در سطر پایانی، تاریخ «۲۷ ماه شعبان ۱۲۷۷» را نوشته است. و در حاشیه همین صفحه نیز، گواهی مرحوم شیخ انصاری را - که خواندن رساله و اضافه کردن آراء خودش را در تاریخ ۱۱ محرم ۱۲۶۷، آغاز مرجعیت می‌رساند - نقل کرده است، که تصویر آن صفحه را در صفحه روبرو مشاهده می‌فرمایید.

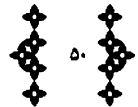
اینک پس از گزارش چگونگی تهیه و تنظیم رساله‌های عملیه و فتاوی شیخ اعظم انصاری (أعلی الله مقامه) در بیخ است داستانی را ناگفته بگذاریم، داستانی که آن را عبدالعلی خان ادیب الملک (۱۲۳۳ - ۱۳۰۲) درباری، شیخی مسلک، اعیان منش و برادر محمد حسن خان صنیع الملک معروف، در کتاب دلیل الزائرین ۱۸۲ - ۱۸۵ - که سفرنامه عتبات عالیات اوست - پیرامون دیدار خود - به سن سی سالگی - با مرحوم شیخ انصاری ۵۹ ساله در نجف اشرف (دهه سوم ربیع دوم ۱۲۷۳) به قلم شیوای خویش، نقل نموده است:

روزانه چهارم: جناب شریعت انتساب، حقیقت اكتساب، عوارف و معارف آداب، زبدة المجتهدین، قدوة المحققین، ملجأ الأئام و حبیة الإسلام شیخ مرتضی (سَلَّمه الله تعالی) برادرش را به دیدن فرستاد و بسی منت نهاد؛ معدرت خواست که جناب شیخ، از احدی دیدن نمی‌کند؛ و راست گفت و زیاده از حد دُرهای محبت شفت.

تا آنجا که گوید:

نظر بآبادت ظاهر و باطن، و سعادت موجود و کائن؛ تمنای شرفیابی خدمت جناب فخر المجتهدین و قدوة المحققین؛ شیخ مرتضی (سَلَّمه الله تعالی) در دل افتاد و ادراك خدمت ایشان در مقام خلوت، زیاد از حد زحمتهما کشیدم و برادر ایشان را دیدم تا اینکه يك شبی را معین فرمودند و ازین بابت در تهجتهای برویم گشودند.





چون شب معین رسید و آفتاب اقبالم از مشرق امید درخشان گردید؛ با ارباب محبت اکتساب و طرفه خازن الأشعار و آقا نصر الله ارادت آثار و بشف آستانش منزف شدیم و بسی پاک بزدان را سپاس و شکرگزاری کردیم.

چون داخل خانه خلده نشانه گشتیم، دیدیم راهش باریک است و از بی چراغی بیرونش چون دلی بی خردان تاریک! فانوس را در اطاق گذاشتیم و تخم ارادتش در دل کاشتیم.

چون نشستیم دیدیم فرش حصیر است و به اعتقاد جمعی عرش سریر! چون از اندرون برآمد شب انتظار سرامد! بی مضایقت دستش را داد، بوسیدیم و بی ثمانعت در برابر رویش آریدیم!

گفتم: شرفیابی خدمت شما بسی سعادت بود! گفت: راست است، لیکن باز دید کسی از من مطابقت نمود!

گفتم: پس کجا پس از این شرفیابی خدمت بیایم؟ گفت: من برای نماز ظهر و مغرب، به حرم می شتابم!

گفتم: سرکار حاجب الدوله، شما را مقلد و از جمله بندگان است. گفت: او با ما متعهد و از جمله مخلصان است.

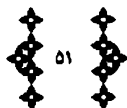
گفتم: ایشان از سرکار القماس دعا دارند! گفت: خدایش جزا دهد که از نیکان روزگارند.

گفتم: خیلی دلم می خواهد که شما را زیارت کنم و ببینم! گفت: ببخشید که من بیش از این نمی توانم بنشینم!

ایشان به اندرون رفتند و دعای ما گفتند. بنده نیز به خدمت شافع روز جزا و شیر خدا شتافتم و عین مقصود از آن آستان یافتم.

این بود نمایش داستان دیدار ادیب الملک، از حضرت شیخ انصاری رحمه الله در حیوحه عصر مرجعیت و اقتدار آن مرحوم. وی سپس سخنی از ناشناسی نقل کرده است، که در جای دیگر باید بدان پرداخت.

و حال دریایان این بحث، جهت حُسن ختام، مناسب است چند بیتی را در ژرای آن مرحوم - که عالم فاضل، شاعر زمان، حاج ملافتح الله شوشتری، متخلص به وفائی (متوفای در حدود ۱۳۰۳ ق)، آن را مسروده، و در کتب و مقالاتی که تاکنون درباره شیخ چاپ شده به نظر نرسیده است - بیاوریم. گویا وفائی خود، آن چکامه را در مراسمی که به مناسبت درگذشت شیخ، در شهر شوشتر برگزار شده بود و آیت الله حاج شیخ جعفر شوشتری (م ۱۳۰۳ ق) حضور داشت، مسروده و پس از تعزیت به آن مرحوم، ده بیتی نیز در مدح و منقبت ایشان در پی آورده است که ما تمام آن را در



فیض الباری فی ترجمۃ الشیخ الأنصاری به نقل از دیوان شاعر، نوشته ایم. اینک منتخبی از آن مرثیه را ملاحظه می فرمایید:

جهان کاغیست بمن دلکش بی سست است بنیافش
چو مردان خدا دیدند لذاتش همه فانی
خصوصاً شخص کامل مرتضی آن پیر انصاری
نه مدحش باشد او گفتم جهان ناید به چشم او
شعبی آسا مقامی داشت اندر عالم معنی
خلیل آسا چنان بشکست بنهای تمنا را
کلیم آسا چنان سر بُرد در ظور عبودیت
مقام مرتضایش داد نزد مصطفی ایزد
به اهل خویش ملحق شد، سراسر جان مطلق شد
رسید او در مقام سرمدی و ملک جاویدی
بؤد اسروز ماهانه که خلقی همچو پروانه
به ماهی در عزای آفتابی نیست کم اش
عزاداری درین ماتم به ماه و سال کم باشد

فنا ورخته و نقص و خرابی، چار اراکانش
ز دنیا چشم بر بستند و نعمتهای الوانش
که برز پشت پایی بر جهان و عهد و پیمانش
به چشمش در نمی آید بهشت و حور و غلمانش
که خود میل شبانی داشتی موسی بن عمران
که آتش در دو گیتی گشت ریحان و گلستانش
که خط بندگی دادند صد فرعون و هامانش
چو اسمش با مسقا بود، داد این قُرتِ بزدانش
زوالی نیست آن جان را که پیوندد به جانش
ولی صد حیف کونه گشت دست ما ز دامانش
به گرد شمع ماتم سوختند از تاب هجرانش
بؤد این آفتاب دین که نا حشرم عزرا خوانش
که باید عمر نوح و گربه کردن همچو طوفانش

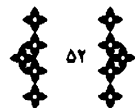
(پایان ابیات از رثای وفاتی، در ارتحال شیخ الطائفه انصاری رحمه الله)

شیخ احمد بن صالح بحرانی (ج ۴، ش ۷۸۲) نیز از شاگردان شیخ، دو قصیده بدیع بی نظیر به عربی در سوگ آن مرحوم سروده است، که در مجلس ختم در نجف اشرف خوانده شد و مورد اعجاب و تحسین واقع گردید؛ یکی ضایحه است در ۳۱ بیت، و دیگری نونیه در ۲۷ بیت، که تمام آن مرثی و مطالب دیگر؛ در کتاب فیض الباری، (مخطوط) نوشته شده است.

در تکمیل این تعلیق اکنون اختتام فرصت نموده، مضمون آن چه را که شیخ آقا بزرگ در الکرام البرره (ج ۲، ص ۵۳۶) در ذیل عنوان مرحوم ملا شوشتری رحمت الله خادم ملازم و صدیق شیخ نوشته اند، در اینجا می آوریم:

ملا شوستری رحمت الله (متوفای ۱۲۸۲) از بندگان شایسته خدا و از پرهیزکاران مقرب و عارف حضرت احدیت بود. او در زمره علما به حساب نمی آمد. لکن خدمتگزار شیخ الطائفه، ابوذر زمان، شیخ مرتضای انصاری بود؛ همان کسی که در پرهیزکاری و شایستگی، ضرب المثل است. ملا رحمت الله، همانند سایه، در سفر و حضر، ملازم شیخ، و آگاه از اسرار و بسیاری از کرامات و مقامات او بوده، همان گونه در همه گفتار و کردار خود، اقتدا به مخدومش کرده بود، به همین جهت، در انتظار مردمان شیعه و





سَنی زمان، مکانسی والاومقامی ارجمند داشت، که همه او را دست پرورده، خانه زاد و تربیت یافته، مدرسه شیخ می دانستند، وجه گمان زود به کسی که روز و شب، با چنان بزرگمردی به سر می برد که اعلا ترین نمونه تدین درست، و ایمان به حق تعالی را به او مثل می زنند، که روحانیت آن زعیم بزرگ و رحمت پروردگار در او کارگر پرورده است. ملا رحمت الله، بیش از یکسال از درگذشت آقایش زیست نکرده. اوبه حیج خانه خدا مشرف شد و اعمال خود را انجام داد و به سال ۱۲۸۴ در مدینه منوره درگذشت. اهل ایمان از درگذشتش غمگین شدند. و بسیاری از شعرا و ادیبان زمان، درسوگش مرثیه ها سرودند. رحمت خدا بر او باد.

باز در اینجا اشاره کنیم که مؤلف تکمله نجوم السماء (۱: ۲۱۱ - ۲۱۴) نیز به قدروسع خود، شرح حالی برای شیخ الطائفه، نوشته است - شکر الله مساعی الجميع.

